



# فرهنگ و تمدن اسلامی

دکتر علی اکبر ولایتی

## بسم الله الرحمن الرحيم

### پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک درسی چاپ می‌شوند.

**کتاب درسی** ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

**متن آزمایشگاهی** (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

**کتاب‌های فرادرسی** (ف) و **کمک درسی** (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی



## فهرست

|                                                             |       |
|-------------------------------------------------------------|-------|
| پیشگفتار                                                    | نه    |
| مقدمه                                                       | سیزده |
| <b>بخش اول: کلیات</b>                                       | ۱     |
| ۱. بنیادهای مفهومی و زمینه‌های تاریخی                       | ۱     |
| تعاریف                                                      | ۳     |
| فرهنگ                                                       | ۳     |
| تمدن                                                        | ۵     |
| ارتباط تمدن با فرهنگ                                        | ۶     |
| عوامل مؤثر در زایش و اعتلای تمدن‌ها                         | ۷     |
| عوامل و علل زوال و انحطاط تمدن‌ها                           | ۷     |
| ۲. چکیده‌ای از تاریخ و فرهنگ اسلام از عصر دعوت تا دوره فتوح | ۷     |
| چکیده                                                       | ۱۱    |
| پرسش‌ها                                                     | ۱۲    |
| <b>بخش دوم: زمینه‌های شکل‌گیری تمدن اسلامی</b>              | ۱۷    |
| ۱. جایگاه علم و دانش در اسلام                               | ۱۷    |
| گذری بر تاریخ نگارش در فرهنگ و تمدن اسلامی                  | ۱۹    |
| ۲. انتقال علوم و جذب دانشمندان به جهان اسلام                | ۲۰    |
| ۳. نهضت ترجمه                                               | ۲۲    |
| ۴. مراکز علمی در تمدن اسلامی                                | ۲۴    |
| چکیده                                                       | ۲۶    |
| پرسش‌ها                                                     | ۲۸    |
| <b>بخش سوم: شکوفایی علوم در تمدن اسلامی</b>                 | ۳۱    |
| طبقه‌بندی علوم                                              | ۳۱    |
| الف) علوم غیراسلامی                                         | ۳۴    |

|     |                   |
|-----|-------------------|
| ۳۴  | ۱. ریاضیات        |
| ۳۷  | ۲. نجوم           |
| ۴۰  | ۳. فیزیک و مکانیک |
| ۴۳  | ۴. طب             |
| ۴۶  | ۵. کیمیا          |
| ۱۰۲ | پرسش‌ها           |

#### بخش چهارم: سازمان‌های اداری و اجتماعی تمدن اسلامی

|     |          |
|-----|----------|
| ۱۱۱ | ۱. دیوان |
| ۱۱۱ | ۲. خراج  |
| ۱۱۶ | ۳. حِسبه |
| ۱۱۷ | چکیده    |
| ۱۲۰ | پرسش‌ها  |
| ۱۲۱ |          |

#### بخش پنجم: هنر در تمدن اسلامی

|     |                                        |
|-----|----------------------------------------|
| ۱۲۵ | ۱. معماری، نقاشی، خطاطی، صنایع مستظرفه |
| ۱۲۵ | ۲. علم موسیقی                          |
| ۱۳۷ | چکیده                                  |
| ۱۳۹ | پرسش‌ها                                |
| ۱۴۱ |                                        |

#### بخش ششم: تأثیر تمدن اسلامی در تمدن غربی

|     |                                                          |
|-----|----------------------------------------------------------|
| ۱۴۵ | ۱. تأثیر علوم عقلی، فلسفه اسلامی و علوم الهی در تمدن غرب |
| ۱۴۸ | ۲. تأثیر پزشکی اسلامی در تمدن غرب                        |
| ۱۵۰ | ۳. تأثیر ریاضیات اسلامی در تمدن غرب                      |
| ۱۵۱ | ۴. تأثیر دانش ستاره‌شناسی اسلامی در تمدن غرب             |
| ۱۵۲ | ۵. تأثیر جغرافیای اسلامی در تمدن غرب                     |
| ۱۵۳ | ۶. هنرهای اسلامی و نفوذ آن در اروپا                      |
| ۱۵۵ | نفوذ نقاشی ملل اسلامی در نقاشی‌های غرب                   |
| ۱۵۹ | تأثیر موسیقی اسلامی در موسیقی غرب                        |
| ۱۶۰ | نفوذ و تأثیر معماری اسلامی در معماری اروپا               |
| ۱۶۲ | چکیده                                                    |
| ۱۶۵ | پرسش‌ها                                                  |
| ۱۶۷ |                                                          |

#### بخش هفتم: علل بیرونی و درونی رکود تمدن اسلامی

|     |                                              |
|-----|----------------------------------------------|
| ۱۷۱ | الف) علل درونی                               |
| ۱۷۱ | ۱. استبداد                                   |
| ۱۷۲ | تعریف استبداد                                |
| ۱۷۲ | منشأ استبداد در کشورهای اسلامی               |
| ۱۷۴ | پیامدهای استبداد                             |
| ۱۷۵ | استبداد در جوامع اسلامی                      |
| ۱۷۶ | ۲. دنیاگرایی، تحجر و دور شدن از اسلام راستین |

|     |                                                |
|-----|------------------------------------------------|
| ۱۸۱ | ب) علل بیرونی                                  |
| ۱۸۱ | ۱. جنگ‌های صلیبی                               |
| ۱۸۴ | ۲. ظهور مغولان                                 |
| ۱۸۵ | حمله مغولان و پیامدهای آن                      |
| ۱۸۵ | حمله مغولان به جهان اسلام                      |
| ۱۸۶ | پیشروی مغولان                                  |
| ۱۸۷ | جانشینان چنگیز و ادامه یورش به جهان اسلام      |
| ۱۸۷ | پایان پیشروی‌های مغولان و تشکیل دولت ایلخانی   |
| ۱۸۸ | بررسی وضع فرهنگی و تمدنی اسلامی در دوره مغولان |
| ۱۸۹ | ۳. سقوط اندلس                                  |
| ۱۹۰ | اندلس هنگام فتح مسلمانان                       |
| ۱۹۰ | فتح اندلس به‌دست مسلمانان                      |
| ۱۹۱ | تاریخ سیاسی اندلس در دوران حکومت اسلامی        |
| ۱۹۳ | بررسی وضعیت فرهنگی و علمی اندلس                |
| ۱۹۴ | علل سقوط اندلس به‌دست مسیحیان                  |
| ۱۹۸ | نتیجه‌گیری                                     |
| ۱۹۸ | چکیده                                          |
| ۲۰۱ | پرسش‌ها                                        |

|     |                                        |
|-----|----------------------------------------|
| ۲۰۵ | بخش هشتم: خیزش؛ اقتدار مجدد جهان اسلام |
| ۲۰۵ | ۱. صفویان                              |
| ۲۰۹ | مناسبات خارجی                          |
| ۲۱۲ | فرهنگ و تمدن در دوره صفوی              |
| ۲۱۳ | ادبیات                                 |
| ۲۱۳ | مدرسه و علوم                           |
| ۲۱۴ | معماری                                 |
| ۲۱۴ | نساجی و فرش‌بافی                       |
| ۲۱۵ | تسلیمات نظامی                          |
| ۲۱۶ | نظام اداری صفویان                      |
| ۲۱۷ | سقوط صفویه                             |
| ۲۱۷ | ۲. عثمانیان                            |
| ۲۲۷ | ۳. گورکانیان                           |
| ۲۲۹ | روابط گورکانیان با صفویان              |
| ۲۲۹ | روابط گورکانیان با دول اروپایی         |
| ۲۳۱ | ساختار اداری - سیاسی گورکانیان         |
| ۲۳۲ | ادبیات فارسی                           |
| ۲۳۳ | عارفان مسلمان و نقش آنان در هند        |
| ۲۳۶ | هنرهای هند و اسلامی                    |
| ۲۴۰ | چکیده                                  |
| ۲۴۳ | پرسش‌ها                                |

|     |                                             |
|-----|---------------------------------------------|
| ۲۴۷ | بخش نهم: علل متأخر رکود فرهنگ و تمدن اسلامی |
| ۲۴۷ | ۱. استعمار کهنه و نو                        |
| ۲۴۷ | استعمار کهنه                                |
| ۲۴۸ | مفهوم و تاریخچه استعمار                     |
| ۲۴۹ | علل پیدایش استعمار                          |
| ۲۵۰ | استعمار در آسیا                             |
| ۲۵۲ | استعمار در خاورمیانه و خلیج فارس            |
| ۲۵۴ | استعمار نو                                  |
| ۲۵۵ | شرکت‌های چندملیتی                           |
| ۲۵۷ | نهادهای مالی بین‌المللی                     |
| ۲۵۸ | جهانی شدن و پیامدهای آن                     |
| ۲۵۹ | ۲. شرق‌شناسی                                |
| ۲۶۷ | ۳. صهیونیسم                                 |
| ۲۷۴ | چکیده                                       |
| ۲۷۷ | پرسش‌ها                                     |
| ۲۸۳ | بخش دهم: بیداری اسلامی                      |
| ۲۸۴ | ۱. بیداری اسلامی در جهان عرب                |
| ۲۹۱ | ۲. بیداری اسلامی در ایران                   |
| ۳۲۳ | چکیده                                       |
| ۳۲۶ | پرسش‌ها                                     |
| ۳۳۱ | کتاب‌شناسی                                  |

## پیشگفتار

بن‌مایه فرهنگ و تمدن اسلامی بر تعالیم، سیره و سنت شخصیتی استوار است که در پایان قرن ششم میلادی قدم به عرصه خاکی نهاد. جستجو و دقت در مدارک تاریخی پانزده قرن قبل، بازگشت به سرزمین مکه و توجه به سنگ‌لاخ‌های کوچه‌ها و آمد و شد مردم قبیله‌ای آن، انسان آرام و متفکری را نشان می‌دهد که از نیمروز زندگی گذشته و اغلب اوقات عبایش را روی شانه‌هایش انداخته، چپه‌اش را روی صورت کشیده، گاهی به آرامی و زمانی به سرعت قدم برمی‌دارد، به عابرین و صحنه‌های شلوغ و پر سر و صدای اطراف بی‌توجه و در افکارش غوطه‌ور است. با این حال هیچ‌گاه از پاسخ دادن به سلام پایین‌ترین افراد یا ادای کلمه‌ای مهرآمیز به اطفالی که علاقه دارند در اطرافش جمع شوند، غافل نیست. با آنکه دشواری‌ها، فراز و نشیب‌های طاقت‌سوز و ابعادی از مشکلات پیش روی اوست، چنان مصمم، کوشا، استوار و پاکدامن است که حتی بدخواهان و دشمنانش او را لقب افتخارآمیز «امین» داده‌اند. و اراده آهنین و همت والای او در راه آشنایی و پیوند همه مردم با یگانه هستی‌بخش را مثال می‌زنند.

در پگاه قرن هفتم و آغاز اتصالش به افق مبین و جرقه‌های پیاپی مکاشفه و قرار گرفتن در شعاع وحی، یگانه پیام جهانی‌اش - توحید - را با سخن از قلم و آگاهی، آغاز کرد. هدفمندی حیات، برابری انسان‌ها در خلقت و در پیشگاه الهی و بطلان تفاخرات قومی و نژادی و نفی امتیازها، جلوه‌هایی از همان پیام جهانی، در سراسر سلوک ۲۳ ساله‌اش بود.

به جریان انداختن زندگی با همه‌ی ابعاد و انواع فعالیت‌هایش بر پایه عدالت و برحسب ضابطه‌ای معنوی - عشق به خدا - و معیارهای اخلاقی و مبتنی بر تقوای الهی و خشیت او جل جلاله، جزئی از برنامه تمدن‌ساز مکتب او بود. همکاری در مورد نیکی و تقوا، دوستی و محبت بر یکدیگر، ظلم نکردن و ظلم نپذیرفتن، احترام به خون، ناموس و دارایی دیگران، فرو خوردن خشم، گذشت از مردم، وفای به عهد چه در پیمان‌های فردی و چه در قراردادهای اجتماعی و بین‌المللی، تکیه بر خردورزی و اندیشه و پاس‌داشت علم، عالمان و متعلمان و تشویق و ترغیب به کسب دانش چه در مورد دین و احکام آن و چه در مورد قوانین حاکم بر هستی و خواص ماده، و توانایی‌های موجود در آسمان‌ها و زمین؛ توجه به هنر و زیبایی‌های تعالی‌بخش موجود در جهان هستی و زندگی بشر، همه و همه ابعاد و جلوه‌هایی از ارزش‌ها و اصول فرهنگی و تمدنی او بود. تمدنی که به اعتراف همه عالمان مسلمان و بسیاری از دانشمندان غیرمسلمان سال‌ها چون چراغی فروزان، فرا راه زندگی انسان‌ها درخشید.

نوشته پیش رو که به قلم استاد گرانقدر دکتر علی‌اکبر ولایتی و براساس سرفصل درس تاریخ و تمدن اسلامی نگاشته شده است، در صدد است تا با ارائه گزارشی مستند و متقن از نحوه شکل‌گیری تمدن اسلامی و فراز و فرودهای آن - که بر پایه منطقی قابل درک و بیان‌شدنی استوار است - زمینه‌های بیداری، خودباوری، و خیزش در میان دانشجویان و دیگر نسل‌های فرهیخته کشور را فراهم آورد.

کتاب دارای یک مقدمه، و یازده بخش اصلی است. نگارنده تلاش کرده است در **مقدمه** کتاب، دورنمایی از کلیات مباحث را بیان نماید. در **بخش اول** پس از تعریف تمدن و فرهنگ به عوامل فراز و فرود تمدن‌ها، رابطه اخلاق، فرهنگ، تمدن و قانون پرداخته شده است. **بخش دوم** به زمینه‌های شکل‌گیری تمدن اسلامی و تاریخ نگارش در تمدن اسلامی می‌پردازد. **بخش سوم** با عنوان شکوفایی علوم در تمدن اسلامی به نقش مسلمانان در علومی چون ریاضیات، نجوم، فیزیک و مکانیک، طب، کیمیا، فلسفه، منطق، جغرافیا، ادبیات، قرائت، تفسیر، حدیث، فقه و اصول، کلام و تصوف اختصاص یافته، و **بخش چهارم** به سازمان‌های اداری و اجتماعی تمدن اسلامی و ابعاد مختلف آن پرداخته است و **بخش پنجم** به جایگاه هنر در تمدن اسلامی پرداخته است. **بخش ششم** به تأثیر تمدن اسلامی در تمدن غربی در حوزه‌هایی چون نقاشی، موسیقی

و معماری پرداخته است. و **بخش هفتم** تحت عنوان علل بیرونی و درونی رکود تمدن اسلامی به عواملی چون جنگ‌های صلیبی، ظهور مغولان، سقوط اندلس، استبداد، دنیاگرایی، تحول و دور شدن از اسلام راستین پرداخته است. **بخش هشتم** با عنوان خیزش و اقتدار مجدد جهان اسلام به ابعاد و مناسبات خارجی و داخلی فرهنگ و تمدن اسلامی در دوره صفوی پرداخته است و **بخش نهم** با عنوان علل متأخر رکود فرهنگ و تمدن اسلامی به موضوعاتی چون استعمار کهنه، علل پیدایش استعمار، استعمار در آسیا و خاورمیانه، استعمار نو، شرکت‌های چندملیتی و نهادهای بین‌المللی و موضوع جهانی شدن و پیامدهای آن پرداخته است. **بخش دهم** به موضوع بیداری اسلامی و زمینه‌ها و نشانه‌های آن پرداخته است.

مرکز برنامه‌ریزی و تدوین متون درسی با تشکر از نگارنده بزرگوار دکتر علی اکبر ولایتی امیدوار است از دیدگاه‌ها و پیشنهادهای صاحب‌نظران، اساتید و دانشجویان عزیز در برطرف کردن کاستی‌ها و جبران ضعف‌های کتاب بهره‌مند گردد.

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها

معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی

گروه تاریخ و تمدن اسلامی



## مقدمه

از زمان‌های دور، یکی از دغدغه‌های همیشگی‌ام، به‌عنوان یک **مسلمان ایرانی**، هویت فرهنگی و تمدنی **اسلام** و **ایران** بود. از این‌رو هر کجا احتمال می‌دادم که ممکن است گم‌شده خویش را بیابم با اشتیاق به آن سو می‌شتافتم. اگر سخنرانی بود، می‌شنیدم و اگر کتاب و مقاله‌ای بود، می‌خواندم و انصاف را که به‌تدریج دریافتم به **امت** و **ملت** ما و **فرهنگ** و **تمدنش** با سوءنیت بیگانگان و رخوت خودی‌ها، ظلمی عظیم شده است.

از یک سو بیگانگان فضایل مسلمین را انکار و از سوی دیگر مسلمانان در ثبت و ضبط و عرضه دستاوردهای علمی و فرهنگی خویش تسامح کردند و در نتیجه این باور غلط جهانی، حتی در بین **مسلمانان** و **ایرانیان**، به‌وجود آمد که **فرنگیان** تافته‌ای جداافتاده در خلقت هستند و از یک هوش و استعداد استثنایی برخوردارند که دیگر ملل، از جمله مسلمانان، از آن بی‌بهره‌اند. از **یونان قدیم** تا **رُم** و **رُسانس**، همواره آنها پیشتاز و مولّد، و **شرقیان** و **مسلمانان** دنباله‌رو و مصرف‌کننده بوده‌اند.

نتیجه عملی چنین باور فراگیری که از حدود دو سده پیش تاکنون تبلیغ می‌شده، این بوده است که سعی بیهوده نکنیم و سرنوشت محتوم خود را به‌عنوان **انسان‌های درجه چندم** با همه تبعات سیاسی و فرهنگی آن بپذیریم! به این ترتیب ملاحظه می‌شود که هوشیاری شیطنت‌آمیز سلطه‌جویان غربی و غفلت ما به مرور موجب پیدایش باورهایی در مردم ما شده که باید آنها را نوعی **صفات ثانویه** به‌شمار آورد و آن اینک: «سعی بیهوده نکنیم! ما را نرسد که در آرزوی قلّه‌های رفیع علم و معرفت باشیم، بلکه باید به همین حدّی که در ازل قسمت ما کرده‌اند رضایت دهیم».

برای هر صاحب درد متعهدی غمی جانکاه‌تر از این نیست که این چنین، اعتبار عقیدتی و قومی‌اش لگدمال شود. از همان زمانی که سرزمین‌های اسلامی و شرقی مورد تهاجم نظامی و فرهنگی «مغرب زمین» قرار گرفت و تبلیغ و ترویج و نهادینه کردن این گونه باورها - که مصداق بارز **استعمار** بود - آغاز شد، بزرگانی برخاستند و بانگ **بیداری مشرق‌زمین و مسلمانان** را سردادند و در برابر برتری‌طلبی‌های فرهنگی و تمدنی «فرنگیان» بر طبل بیداری اسلامی در «مشرق زمین» کوفتند.

امواج بیداری اسلامی از دویست سال پیش تاکنون هر روز بلندتر و گسترده‌تر شده است. مهم‌ترین دستاورد این حرکت تاریخی، بازگرداندن تدریجی **خودباوری** به **جهان اسلام** بود؛ به گونه‌ای که امروز با وجود توسعه و تعمیق تبلیغات صوتی، تصویری و الکترونیکی، مدعای قدیمی برتری غرب، اثر کمتری بر ملت‌های مسلمان و مشرق دارد. امروز، مشت سحره **فراعنه زمان** ما باز شده و حنای آنها دیگر رنگی ندارد. لیکن این مصون‌سازی بیش از اینکه علمی باشد، سیاسی است. همان گونه که جریان اولیه و معکوس استعمار فرهنگی نیز به دنبال استعمار سیاسی و به مقصد استثمار اقتصادی بوده است.

بنابراین، باید از زمینه‌سازی بیدارگران پیشتاز سیاسی و فرهنگی استفاده و در عین حال زمینه‌های بازگرداندن خودباوری علمی و معرفتی نیز فراهم می‌شد. برای نیل به این هدف برخی از بزرگان کوشش‌های ارزنده‌ای کردند. کندوکاو در این حوزه نشان می‌دهد که در آغاز راه هستیم و تا رسیدن به مقصود فاصله زیادی داریم، اما بی‌تردید حرکت آغاز شده است.

ما نیز تلاش کردیم به سهم خود قدمی برداریم، امیدواریم قرین توفیق باشد. چهار مجلد کتاب پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، که تاکنون منتشر شده است، حاصل بخشی از این تلاش است و کتاب پیش رو با عنوان فرهنگ و تمدن اسلامی، خلاصه‌ای از مباحث مهم آن چهار جلد است که براساس سرفصل‌های دو واحد درس عمومی دانشگاه‌ها، تنظیم شده است.

بررسی تاریخ اسلام نشان می‌دهد که فرهنگ و تمدن اسلامی مسیری مضبوط و مراحلی دقیق دارد و بر پایه منطقی قابل درک و بیان‌شدنی شکل گرفته که احتمالاً تبلور همان فلسفه تاریخ است که تاریخ تکرار می‌شود و اگر منحنی آن را رسم کنیم، شاید

در چند سده و چند هزاره به نقاط مشابه و تقریباً قابل انطباق برسیم.

عناوین اصلی این مراحل عبارتست از:

مرحله اول: عصر دعوت یا آغاز فرهنگ و تمدن اسلامی.

مرحله دوم: عصر تشکیل حکومت اسلامی در یشرب و پایه‌گذاری نمادین

مدنیت اسلامی

مرحله سوم: عصر گسترش اسلام در جزيرة العرب و در جهان متمدن آن

روزگار، شامل بین‌النهرین، ایران، روم، مصر، حبشه، هند، ماوراءالنهر، چین و ماچین، شمال افریقا و سرانجام جنوب اروپا.

مرحله چهارم: عصر مجاور شدن فرهنگ و تمدن نوپای اسلامی با تمدن‌های

کهن جهان و کوشش برای شناخت و انتقال آن تمدن‌ها به حوزه تمدن اسلامی از طریق ترجمه، تأسیس کتابخانه‌ها و مدارس و جذب مغزهای متفکر به مراکز علمی و آموزشی جهان اسلام.

مرحله پنجم: عصر خودجوشی تمدن اسلامی.

مرحله ششم: عصر شکوفایی فرهنگ عمیق اسلامی و ادبیات عرفانی.

مرحله هفتم: عصر هنر و معماری

مرحله هشتم: عصر رکود تمدن اسلامی یا عصری که صلیبیان و مغولان با

قساوت‌ها و بی‌رحمی‌های بی‌سابقه‌شان روح ناامیدی را در فرهنگ اسلامی دمیده و با تخریب شهرها، اساس مدنیت مسلمانان را متزلزل کردند.

مرحله نهم: خیزش مجدد جهان اسلام.

مرحله دهم: هجوم استعمار و آغاز دومین دوره رکود یا عصر استحاله فرهنگی

مسلمانان؛ تهاجمی که به منزله یک شوک الکتریکی بر مراکز عصبی جهان اسلام بود. صرف‌نظر از عوارض آن یورش، این شوک، موجب پدید آمدن امواجی حیاتی شد که بعدها پدید آورنده یک سلسله حرکات پیوسته تاریخی در گستره جغرافیای اسلامی گردید که از آن به بیداری اسلامی تعبیر می‌کنیم؛ بیداری اسلامی یا دعوت برای بازگشت به اسلام.

## مرحله ۱: بیداری اسلامی

برحسب اینکه از چه زاویه‌ای به این پدیده بنگریم، تفسیر و تحلیل ما تفاوت می‌کند. از این‌رو اندیشمندان، این پدیده به خود آمدن مسلمانان را با عناوینی گوناگون نام‌گذاری کرده‌اند و نوع برداشت آنها را می‌توان در قالب برخی از اصطلاحات ذیل نام‌گذاری کرد:

**اصلاح طلبی، سلفی‌گری، بازگشت به خویش، خرافه‌ستیزی، نوگرایی، مقابله با استعمار، وحدت مسلمین،... و بیداری اسلامی.**

گزینش اصطلاح بیداری اسلامی و اختصاص یک فصل مهم به این مبحث، به دلیل جامعیت بیشتر این کلمه و سنخیت آن با دیگر فصول است. نکته دیگری که اهمیتش از این نام‌گذاری بیشتر است، شاید کشف نوعی همانندی بین مراحل گوناگون تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی در دوره اول و پیش از حمله مغولان و عصر بیداری اسلامی در دوره معاصر باشد. گویی که سیر منحنی فرهنگ و تمدن اسلامی تکرار می‌شود و این وضعیت یادآور نوعی از فلسفه تاریخ است که: «تاریخ جز تکرار و قیام نیست»؛ و یا اینکه در اسلام، این ظرفیت بالقوه احیا و بازسازی از درون وجود دارد و شاهد این مدعا سرنوشت اسلام در عصر حاضر است که به اقرار همه ناظران خودی و بیگانه، پرجاذبه‌ترین دین برای همه ملل و اقوام جهان است و سرعت پیشرفت آن قابل مقایسه با هیچ‌یک از دیگر ادیان جهان نیست. از این پدیده می‌توان نتیجه‌گیری کرد که این دین، همچنان زنده است و همچون دیگر موجودات زنده، قدرت پالایش از درون، ترمیم عناصر پوسیده، دفع مواد فاسد و یا فاسدکننده، دفاع در برابر تهاجم عناصر بیگانه موزی و مضر و رشد و بالندگی و از قوه به فعل درآوردن ظرفیت‌های موجود را دارد.

آغاز بیداری اسلامی همچون اصل اسلام با دعوت از مردم آغاز می‌گردد، که چنین شد؛ امیر عبدالقادر، سید جمال‌الدین اسدآبادی، شیخ محمد عبده، سیداحمد خان، شیخ فضل‌الله نوری، عبدالرحمان کواکبی، شیخ شامل، رشید رضا، علامه اقبال لاهوری، سیدحسن مدرس، حسن البناء، سید قطب، ابوالاعلا مودودی، سید محسن امین جبل عاملی... و سرانجام امام خمینی همگی مردم را به بازگشت و احیای اسلام دعوت کردند و مردم هم این دعوت را پذیرفتند و دسته دسته از ملل اسلامی، دوباره با اسلام بیعت کردند. نتیجه آن دعوت خواص و این پذیرش عمومی مردم، شکل‌گیری

یک نهضت فراگیر احیای دین و ارزش‌های دینی در سراسر جهان اسلام شد. جستجو در تاریخ معاصر و نگاهی به دقایقی که در زمان ما اتفاق می‌افتد، کاملاً این واقعیت را آشکار می‌کند که هیچ کشور اسلامی نیست، مگر اینکه در آن ردپایی از بیداری اسلامی یا نهضت بازگشت به اسلام باشد. چنین واقعیتی حکایت از کامیابی چشم‌گیر، در نخستین مرحله از نوزایی (رنسانس) اسلامی می‌کند. اهمیت این مرحله به قدری است که امروز طمع‌کنندگان به سرزمین‌های اسلامی و میراث‌خواران استعمار کهن، با ردای جدید «حمایت از حقوق بشر» و «دفاع از صلح و امنیت و دموکراسی» تحت پوشش تئوری «برخورد تمدن‌ها»، کمر به نابودی آن بسته و پس از فروپاشی شوروی، با همه توان نظامی خویش، در برابر مسلمانان صف‌آرایی نموده‌اند.

## مرحله ۲: تشکیل حکومت اسلامی

براساس تقسیم‌بندی اولیه، مرحله بعدی، پس از **عصر دعوت** (بازگشت به اسلام)، **تشکیل حکومت اسلامی** است. در هر دو عرصه **تسنن** و **تشیع** تلاش‌های تئوریک و عملی برای تشکیل حکومت اسلامی با قوت آغاز شد. در جهان تسنن دعوت به بازگرداندن **عنصر خلافت**، به‌عنوان محور تشکیل حکومت اسلامی، توسط متفکران مختلفی مطرح گردید؛ **رشید رضا** از پایه‌گذاران **تفکر سلفی**، موضوع خلافت را به‌صورت جدی مطرح کرد. در این زمینه، پیشنهاد عملی وی، تشکیل حکومت سراسری اسلامی به مرکزیت **موصل** و بیعت با «امام‌هادی»، امام زیدی یمن (در عصری که رشیدرضا زندگی می‌کرد)، به‌عنوان خلیفه مسلمانان بود.

در حوزه تشیع، **آیت‌الله نائینی** تشکیل حکومت اسلامی در عصر جدید را تئوریزه کرد و آن را در کتابی با نام **تنبيه الامة و تنزيه الملة** منتشر کرد و امام خمینی با طرح موضوع **ولایت فقیه** شکل امروزی تئوری حکومت اسلامی را مطرح ساخت.

بخش دوم از این مرحله، تشکیل حکومت اسلامی است. در شمال نیجریه **عثمان دان فودیو** در آغاز سده نوزدهم میلادی، یک حکومت اسلامی تأسیس کرد که نزدیک به صد سال ادامه یافت. در حوزه تسنن، اقدام‌های موفق و نیمه‌موفق دیگری نیز صورت گرفت. در سودان، **حسن ترابی** از گروه **اخوان المسلمین** به‌عنوان نظریه‌پرداز

تشکیل حکومت اسلامی، به کمک حسن عمرالبشیر حکومت سکولار جعفر نمیری را سرنگون کرد و در آن کشور، حکومت اسلامی با داعیه «اجرای شریعت»، ایجاد کرد. در ترکیه، نجم‌الدین اربکان، حزب رستگاری ملی (رفاه) را، با داعیه ولو اعلام نشده (از ترس ژنرال‌های ارتش) حکومت اسلامی، تأسیس کرد که با کوشش بسیار و تغییر تاکتیک‌های مکرر، سرانجام یک حکومت ائتلافی با خانم تانسو چیلر به وجود آورد که از بارزترین نمادهای آن، بازگرداندن حجاب خانم‌ها، تشکیل نماز جماعت در ادارات و توسعه مدارس امام خطیب بود.

در الجزایر، جبهه نجات اسلامی، به رهبری عباسی مدنی، برای تأسیس حکومت اسلامی شکل گرفت و به سرعت گسترش یافت؛ به گونه‌ای که در انتخابات شهرداری‌ها، در همه شهرهای الجزایر، اکثریت آرای مردم را به دست آورد. در حوزه تشیع، آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری، در اوایل سده بیستم میلادی حکومت اسلامی را بر مبنای ولایت فقیه در جنوب ایران تشکیل داد.

شاید بتوان تأسیس حکومت گیلان توسط میرزا کوچک خان جنگلی در چارچوب «حزب اتحاد اسلام» را با تسامح، یکی از نمونه‌های ناقص تأسیس حکومت اسلامی به‌شمار آورد.

اقدام ناقصی که در زمان ضیاءالحق در پاکستان برای تصویب «لایحه شریعت» در مجلس پاکستان به عمل آمد و تغییر نام پاکستان به جمهوری اسلامی پاکستان، می‌تواند بخشی از کوشش‌های صورت گرفته برای تأسیس حکومت اسلامی به‌شمار آید.

سرانجام می‌توان از تشکیل حکومت جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان بارزترین مصداق حکومت اسلامی در عصر ما نام برد.

### مرحله ۳: گسترش اسلام

مرحله سوم، که از همان سده اول هجری آغاز شد، به سرعت پیش رفت و در تجدید حیات اسلام در عصر جدید نیز تکرار شده است. پیشرفت سریع اسلام در امریکا، اروپا و آفریقا در دهه‌های اخیر را می‌توان از نمونه‌های بارز گسترش سریع اسلام به حساب آورد.

#### مرحله ۴: تجدید بنای فرهنگ و تمدن اسلامی

فرهنگ اسلامی، در سایه بیداری و خیزش مسلمانان، در حال بازسازی خویش است. با احیا و بازسازی فرهنگ اسلامی، مشت سحره «فراعنه زمان» ما باز شده است. امروز دیگر ارزش‌های وارداتی فرنگ نه تنها نزد فرهیختگان، بلکه نزد توده‌های میلیونی مسلمانان رنگ باخته است و مشعل‌داران فرهنگ اسلامی در برابر نظریه‌پردازان فرهنگی «فرنگ»، قد مردانگی علم کرده و با تکیه بر فرهنگ غنی اسلامی، تولیدات عقیدتی - فرهنگی عظیمی را موجب شده‌اند. تألیفات گران سنگی چون: جاهلیت قرن بیستم از محمد قطب، آینده در قلمرو اسلام از سید قطب، فلسفه ما و اقتصاد ما از آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر، مآذخسر العالم بانحطاط المسلمین از ابوالحسن ندوی، اصول فلسفه و روش رئالیسم از علامه طباطبایی و آیت‌الله مطهری، نمونه‌هایی از نظریه‌پردازی فرهیختگان مسلمان در شکل‌دهی و دوباره‌سازی فرهنگ اسلامی است. کوشش برخی از ملت‌های مسلمان در دستیابی به فناوری‌های پیشرفته که گاه موجب وحشت استعمارگران غربی شده است، حکایت از طلوع مجدد تمدن اسلامی می‌کند.

با دقت در سیر تاریخی منحنی تمدن اسلامی می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که یک بار دیگر شاهد قدرت‌گیری و اعتلای مسلمانان و فرهنگ و تمدن اسلامی در آینده نه چندان دور خواهیم بود. ان‌شاءالله.



بجاست از همه کسانی که در مراحل گوناگون نگارش این کتاب به اینجانب کمک کرده‌اند: سرکار خانم مهناز مقدسی و آقایان؛ محمدتقی انصاری، احمد تقی‌زاده، جواد حسن‌پور، سجاد راعی گلوچه، دکتر رحیم رئیس‌نیا، اکبر رضائی، دکتر مقصود رنجبر، دکتر حسن زندیه، عبدالقادر سواری، اصغر صادقی‌یکتا، دکتر عباس عراقچی، مسعود عرفانیان، فرید قاسملو، محمدحسن کاووسی عراقی، جواد کریمی، مهدی کریمی، دکتر رضا نظرآهاری و دکتر عباس ملکی، قدردانی نمایم و همچنین از آقایان حجت‌الاسلام و المسلمین محسن قمی، ریاست محترم نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها و دکتر ابراهیم کلانتری رئیس و آقایان غلامحسین گرامی مدیر پژوهش و محمد نصیری مدیر گروه تاریخ و تمدن اسلامی و دیگر دست‌اندرکاران

مرکز برنامه‌ریزی و تدوین متون درسی، عمیقاً سپاسگزاری کنم و توفیق بیشتر همگان را از خداوند متعال آرزو نمایم.

امید است که صاحب‌نظران، اساتید و دانشجویان این درس، بر بنده و همکارانم منت نهاده، در رفع کاستی‌ها و تصحیح اشتباهات احتمالی آن، ما را یاری نمایند.

و من الله التوفیق و علیه التکلان

علی اکبر ولایتی

پاییز ۱۳۸۳

# بخش اول

## کلیات

### اهداف

از دانشجویان انتظار می‌رود پس از مطالعه این بخش:

۱. بنیاد فرهنگ و تمدن اسلامی را بدانند و مراحل دعوت پیامبر ﷺ را بشناسند.
۲. از گسترش و توسعه حکومت اسلامی در آسیا، آفریقا و بخشی از اروپا آگاه گردند.
۳. تعریف فرهنگ را بدانند و از تقسیم‌بندی آن به فرهنگ مادی و معنوی آگاه شوند.
۴. با تعریف تمدن آشنا شده و از چگونگی ارتباط تمدن و فرهنگ، باخبر گردند.
۵. بدانند چه عواملی در اعتلا و پیشرفت تمدن موثرند.
۶. علل و عوامل انحطاط و قهقرا رفتن تمدن‌ها را بشناسند.
۷. به شکل اجمال با تاریخ و فرهنگ اسلام از زمان دعوت پیامبر ﷺ تا زمان فتوحات آشنا شوند.

### ۱. بنیادهای مفهومی و زمینه‌های تاریخی

از حدود سال ۶۱۰م، دین اسلام با دعوت پیامبر اسلام ﷺ در مکه پای به عرصه وجود نهاد. اساس تاریخی - مفهومی دین اسلام را از این زمان می‌توان به دو مرحله تقسیم کرد: مرحله دعوت و مرحله هجرت پیامبر ﷺ به یثرب و تشکیل حکومت اسلامی. پس از تشکیل حکومت اسلامی، دین اسلام وارد دوره گسترش خود شد. هم‌جواری اسلام با تمدن‌های آن روز، یعنی ایران، روم و مصر، زمینه ارتباط با این حوزه‌های

تمدنی را فراهم آورد. پیامبر اسلام ﷺ پس از صلح حدیبیه، که باعث تثبیت حاکمیت اسلام در شبه جزیره شد، با ارسال نامه به سران کشورهای همسایه، امکان ارتباط مسلمانان با آنها را فراهم ساخت. این وضع پس از پیامبر، در زمان خلفای راشدین، عهد اموی و عهد عباسی نیز ادامه پیدا کرد و در اواسط عهد عباسی گستره اسلام در سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا امتداد یافت. در این دوره، از نظر گستره جغرافیایی، این دین از شرق تا مرز چین امروزی؛ از غرب تا مراکش کنونی در غرب آفریقا یعنی منتهی‌الیه غربی مسکونی آن زمان؛ از شمال تمامی منطقه ماوراءالنهر و جنوب سبیری، بخش وسیعی از آسیای صغیر، تمام ساحل شرقی مدیترانه و کوه‌های پیرنه - حدفاصل اسپانیا و فرانسه - و از جنوب نیز مجمع‌الجزایر آسیای جنوب شرقی، جنوب شبه جزیره جفنا در سریلانکا و جنوب صحرای آفریقا را شامل می‌شد. با انتشار اسلام در این گستره عظیم که دربرگیرنده اقوام و زبان‌های گوناگون بود، الفت و وحدت در میان مردمی حاکم شد که تا پیش از ظهور اسلام محدوده جغرافیایی زندگی آنان صحنه نبردها و جدال‌های بی‌حاصل بود.<sup>۱</sup> دین اسلام زمینه تضارب آرا و افکار بین تمدن اسلامی و فرهنگ و تمدن‌های پیشین را فراهم ساخت. در مرحله بعد، «معارف اسلامی» بر محور قرآن مجید و با استفاده بهینه از علوم و معارفی که در این سرزمین‌ها پیش از ورود اسلام وجود داشت، پدید آمد. این پدیده از اواخر سده دوم هجری آغاز شد و اوج آن سده چهارم بود. «ادب» از سده چهارم شکوفا شد و در سده‌های پنجم و ششم و هفتم هجری به اوج رسید. «عرفان»، چه در شاخه عملی و چه در شاخه نظری، طی سده‌های چهارم تا ششم هجری، دوره شکوفایی خود را گذرانید و تا سده نهم ادامه یافت. هنر نیز از سده‌های پنجم و ششم رونق گرفت و تا سده‌های دهم و یازدهم دوره اوج خود را پشت سر گذاشت.<sup>۲</sup> از اواخر سده دهم و اوایل سده یازدهم، تمدن اسلامی از اوج و اعتلای خود فاصله گرفت و رو به افول گذاشت. این انحطاط براساس عواملی، که به عوامل بیرونی و درونی دسته‌بندی می‌شوند، صورت گرفت. به نظر بسیاری، این انحطاط می‌توانست اسباب نابودی بنیادهای تمدن اسلامی و سرانجام

۱. برای آگاهی کلی در این زمینه نک: *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۸، ذیل «اسلام».

۲. جرجی زیدان، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۲ ش، ص ۱۵۰-۱۰۰ و ص ۵۵۹-۵۵۱.